خیز بلند نویسنده ۱۶ساله برای جایزه ۵۰ هزار پوندی

کتاب «خاطرات یك طبیعت‌شناس جوان» از دارا مك انالتی، نویسنده ۱۶ ساله به فهرست نامزدهای اولیه جایزه ادبی «بیلی جیفورد» راه یافت و آن‌طور که خبر را ایسنا از گاردین نقل کرده، این نویسنده به جوان‌ترین نویسنده‌ای تبدیل شد که تاکنون به فهرست اولیه مهم‌ترین جایزه ادبیات غیرداستانی بریتانیا راه یافته و در صورت برنده شدن این جایزه ادبی ۵۰ هزار پوندی، به جوان‌ترین برنده یك جایزه ادبی مهم بریتانیا هم تبدیل خواهد شد.

تا ۴ مهر با آلبر کامو در ایران

چند روزی است نمایشنامه «سوءتفاهم» آلبر کامو به کارگردانی نیما ذاکر در خانه نمایش دا روی صحنه رفته و حالا این کارگردان به خبرگزاری مهر گفته تلاشش این بوده که در اجرای این اثر نمایشی تا جایی که امکان دارد به فلسفه اصلی کامو و جهان‌بینی او وفادار باشد. اما مجبور به تغییراتی هم در حد چند دیالوگ شده است. این نمایش تا ۴ مهر ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه، در خانه نمایش دا روی صحنه می‌رود.

ستاره نشدند

به مناسبت سالروز تولد پارسا پیروزفر، سراغ بازیگرانی رفته‌ایم که می‌توانستند در سینمای ایران ستاره شوند، اما نشدند

امید رحمانی
سینما

در صنعت سینما به بازیگری ستاره سینما می‌گویند که ارزش مالی و اقتصادی و سرمایه‌ای برای نظام فیلمسازی داشته باشد و مردم برای دیدن آن ستاره، صف بکشند و با شور و شوق به تماشای فیلم‌های او بروند. اتفاقی که اگر این شرایط استثنائی اخیر کرونایی را حساب نکنیم، هنوز هم در هالیوود و بالیوود رخ می‌دهد و ستاره‌های سینما، ارج و قرب و جایگاهی دارند و معمولا حضورشان در هر فیلم، مساوی با فروش بالای اثر در گیشه و رسیدن به سود برای تهیه‌کننده یا شرکت تولیدکننده است. در قیاس مع‌الفارق سینمای ایران با سطح اول و درجه یك سینمای جهان، اساسا ما چهره‌های بسیار انگشت‌شماری داریم که وضعیت و شرایطی حوالی ستاره‌های جهان داشته باشند. شاید مجموع ستاره‌های سینمای ایران آن هم به نسبت و مختصات سینمای نحیف و کم‌رمق خودمان، چهار پنج بازیگر داشته باشیم که مخاطبان به فیلم‌های آنها اقبال بالایی نشان می‌دهند.

اساسا سینمای ایران، به‌جز مقاطعی در سینمای پیش از انقلاب که آن موقع هم سه چهار ستاره محبوب و پرفروش داشت و چند نفری هم در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ که شاید تعدادشان در مجموع به ۱۰ نفر هم نرسد، چندان به ستاره‌ها روی خوش نشان نداده یا به عبارت بهتر اصلا نتوانسته موقعیت ممتازی را برای ستاره‌ها به وجود بیاورد. سازوکار سینمای ایران و کیفیت فیلمنامه‌ها و تربیت بازیگران، به گونه‌ای نبود و نیست که جایی برای ظهور و جولان ستاره‌ها باشد و اگر هم گاهی فیلم‌هایی پرفروش می‌شود، شاید بیشتر به مسائل مختلف دیگری ربط داشته باشد تا صرفا حضور فلان بازیگر در فیلم. با این حال تاکید می‌کنیم باتوجه به بضاعت سینمای ایران، ستاره‌ها یا بازیگران نقش اولی داشتیم و داریم که گاهی فیلم‌ها به‌خاطر حضور آنها با اقبالی در گیشه روبه‌رو می‌شود. اما در این گزارش، کاری به این بازیگران مشخص نداریم، بلکه می‌خواهیم از بازیگرانی سراغ بگیریم که معیارهای ستاره شدن در سینمای ایران را داشتند، اما این اتفاق برای آنها رخ نداد و نتوانستند ظرفیت خود را برای در اوج و همیشه اول بودن ارتقا دهند. حالا یا خودخواسته بوده که کمی بعید است هیچ بازیگری خودش را از رسیدن به چنین موقعیت و موفقیتی محروم کند یا این خاصیت سینمای ایران است که نمی‌تواند ستاره‌های متعددی را رشد و به آنها پروبال دهد و به سرمایه‌های بازیگری خود بیفزاید. در این گزارش سراغ جوان اول‌های دوره‌های مختلف سینمای پس از انقلاب و بیشتر سال‌های اخیر رفتیم که در فیلم‌هایی درخشیدند یا دست‌کم دیده شدند، اما در ادامه خبری از آنها نشد درحالی‌که می‌شد باتوجه به برخورداری آنها از ویژگی‌های ستاره شدن همچون چهره و فیزیك مناسب، انتظار درخشش این چهره‌ها را در نقش‌ها و فیلم‌های دیگری هم داشت. ذکر این نکته ضروری است که بسیاری از بازیگران خوب و مستعد که همچنان در فیلم‌ها و سریال‌ها و نمایش‌ها حضور دارند، جایی در این گزارش ندارند. به دلیل این‌که اساسا خوب یا بد فاقد آن جنبه‌های ظاهری و کلیشه‌ای ستاره‌شدن هستند. همچنین اشاره ما در این گزارش به بزرگوارانی که نتوانستند تبدیل به ستاره سینما شوند، به هیچ وجه مترادف با بازی بد آنها نیست و چه‌بسا در برخی فیلم‌ها و نقش‌ها خوش درخشیده باشند. بحث تنها این است که این درخشش مدام و مستمر نبوده که منجر به ورود آنها به باشگاه ستارگان سینمای ایران شود.

> پیشنهادهای نازل از سوی تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها، انتخاب‌های بد از سوی بازیگران، سازوکار نامناسب سینمای ایران برای تربیت و حفظ و رشد ستاره‌ها، مافیای موجود و برخی زد و بندها و البته برخی کم استعدادی‌ها، باعث می‌شود امید ما درباره ستاره شدن بعضی بازیگران به یأس تبدیل شود

پارسا پیروزفر؛ ستاره تئاتر

یك مورد ویژه

جوانان زیادی با میزان وجاهت کمتری نسبت به پارسا پیروزفر به سینما آمدند و در مقاطعی با همان سازوکار و بضاعت اندك سینمای ایران، ستاره یا شبه‌ستاره شدند و رفتند. به‌ویژه در اواخر دهه ۷۰ و ۸۰ که چشم رنگی بودن، متر و معیاری برای جلب توجه تماشاگران جوان و عاشق‌پیشه و فروش فیلم‌ها در گیشه بود. خود پیروزفر هم البته در همان دوره در سینما فعالیت می‌کرد و باتوجه به کمالِ جمالش، به‌راحتی امکان ستاره شدن را داشت، اما او ظاهرا به‌طور خودخواسته چندان نمی‌خواست آلوده فضای تجاری و بدنه سینمای ایران شود و به‌جز یکی دو مورد مثل دختری به نام تندر و نقاب، چندان میلی به سینمای گیشه نداشت. در عوض ترجیح داد در فیلم‌های بزرگانی چون داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی حضور داشته باشد.

هرچه زمان گذشت پیروزفر به سمت تئاتر بیشتر گرایش پیدا کرد و به‌ویژه در سال‌های اخیر، برخی آثار شاخص نمایشی جهان را با ترجمه و کارگردانی و بازی خودش روی صحنه برده که همه آنها با اقبال تماشاگران روبه‌رو بوده است. درواقع پیروزفر در سال‌های اخیر بیشتر ستاره تئاتر بوده، درحالی‌که همیشه این امکان را داشت که در سینما به مقام ستارگی دست پیدا کند. زندگی در خارج از کشور و حضورهای هرازگاهی در ایران هم شاید یکی از علت‌های گزیده‌کاری پیروزفر در سینما باشد. او در تلویزیون هم بسیار گزیده فعالیت کرده و در همه این سال‌ها تنها در چهار سریال حضور داشت که اتفاقا همگی از آثار موفق و مشهور تلویزیون هستند؛ در پناه تو، در قلب من، سفر سبز و در چشم باد.

حتی پرکاری اخیر او در سینما هم که با بازی در فیلم‌هایی چون بی‌حسی موضعی، مجبوریم، مست عشق و تی‌تی همراه بوده، باز تضادی با گزیده‌کاری او ندارد و منجر به ورود او به مسیر ستارگی نمی‌شود. چون هیچ‌کدام از فیلم‌ها در فضای سینمای بدنه و تجاری نیستند تا بتوان با توجه به آن وجه ارزش سرمایه‌ای بازیگر، به‌عنوان ستاره سینما برسیم. همه اینها نشان می‌دهد پیروزفر که امروز تولد ۴۸ سالگی‌اش را جشن می‌گیرد، از معدود بازیگرانی باشد که با وجود برخورداری تام و تمام از وجوه ستاره‌ای، خودخواسته ترجیح داده از فضای رایج سینمای تجاری ایران و عنوان ستاره‌شدن فاصله بگیرد و بیشتر به‌عنوان یك بازیگر خوب مطرح باشد و دچار قاعده مرور زمان و تاریخ انقضای ستاره‌ها در سینمای ایران نشود.

آقایانی که ستاره نشدند

چهره و فیزیك و قد و قامت خوب، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های ستاره‌شدن در همه جای دنیاست و سینمای ایران هم طبق همین قاعده، در مقاطعی و در دوره‌هایی، چهره‌های تازه‌ای را به خود می‌بیند. اما گاهی این ظهور ناگهانی یا تدریجی، چندان خوش‌یمن و موفقیت‌آمیز نیست و با همان سرعت هم شاهد سقوط ستاره‌های تازه‌وارد هستیم یا دست‌کم آنها در صورت بقا و ادامه فعالیت در سینما و تلویزیون، در نقش‌ها و آثاری ظاهر می‌شوند که عاری از هرگونه شمایل و درخشش ستارگی است و تنها می‌توان به آنها به‌عنوان بازیگرانی شناخته‌شده و شاید هم محبوب نگاه کرد که با وجود بازی در نقش اول فیلم‌ها، ارزش سرمایه‌ای و سودآوری ندارند. درحالی‌که توقع می‌رفت سینمای ایران با فیلمنامه‌ها و نقش‌هایی جذاب، وجوه ستارگی آنها را تقویت کند و فیلم‌های پرمخاطب و پرفروشی با حضور این بازیگران بسازد.

عبدالرضا زهره‌کرمانی، یکی از بازیگرانی بود که از چهره مناسبی برای ستاره‌شدن برخوردار بود و بازی‌اش در سریال غریبه و فیلم‌های هیوا، نسل سوخته و قارچ سمی، دیده شد و نوید روزهای بهتری برای او در سینما را می‌داد، اما زهره کرمانی در ادامه تغییر مسیر داد و تبدیل به یك جهانگرد شد!

دانیال حکیمی با آن صدای منحصربه‌فرد و استعداد در بازیگری، می‌توانست یکی از ستاره‌های سینمای ایران باشد، اما انتخاب‌های نه‌چندان خوب در سینما و تمرکز در تلویزیون و تئاتر، حکیمی را از ستاره‌شدن دور کرد.

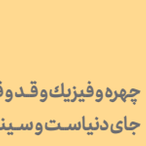

مهدی احمدی، بازیگر شب‌های روشن که توامان از وجاهت چهره و متانت شخصیتی برخوردار است، گزینه خوبی برای ستاره‌شدن بود اما با وجود فعالیت تقریبا مستمر در بازیگری، بیشتر در فیلم‌های هنری ظاهر شد تا سینمای بدنه و تجاری. تمرکز او در رشته نقاشی هم شاید در این ستاره‌نشدن، نقش داشته باشد.

حمیدرضا پگاه، چهره و قد و قامت مناسبی برای ستاره‌شدن داشت، درخشش او در سریال تفنگ سرپر و فیلم این زن حرف نمی‌زند هم نشان از ظرفیت بالای او در این زمینه داشت، اما ترکیب پیشنهادها و انتخاب‌ها، پگاه را از ستاره‌شدن دور کرد.

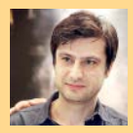

شهرام حقیقت‌دوست، یکی از خوب‌های بازیگری است و حتی یکی از ملزومات ستارگی به‌ویژه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ را هم داراست یعنی چشم‌های رنگی! اما او هم با وجود فعالیت مدام و مستمر در بازیگری سینما و تلویزیون و نمایش توانایی‌هایش، ستاره نشد. شاید برخی بازیگران در سینما در نقش‌های مکمل بیشتر می‌درخشند. اما حقیقت‌دوست همیشه در تئاتر، در اوج است و درخششی ستاره‌وار دارد.

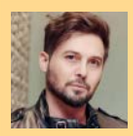

دانیال عبادی با این‌که از اواخر دهه ۸۰ در سینما فعال است و ویژگی‌های ظاهری ستاره‌شدن را داشت، اما انتظارات را در این زمینه برآورده نکرد. شاید اگر در دهه ۶۰ و در دوران دوبله فیلم‌ها فعالیت می‌کرد، گوینده‌های خوش‌صدایی مثل خسرو خسروشاهی و سعید مظفری، نقش مهمی در موفقیت و رساندن او به مقام ستارگی ایفا می‌کردند اما حالا این جنس صدا در ترکیب با برخی لحظات ناپخته در بازیگری، عبادی را از موقعیتی که انتظارش را می‌رفت دور کرده است.

درخشش پوریا پورسرخ در فیلم روز سوم امیدواری‌های زیادی برای ستاره شدن او ایجاد کرد، اما برخی انتخاب‌های نامناسب و بعضی از بازی‌هایش که جنبه‌های اغراق‌شده‌ای داشت، امکان ستاره شدن را از او گرفت.

کامبیز دیرباز یکی از مستعدترین بازیگران سال‌های اخیر است و با بازی‌های خوب در فیلم‌های اخراجی‌ها، دوئل، به نام پدر و عیار ۱۴ نوید ستاره‌ای مستعد را به سینمای ایران داد. اما حضور در برخی نقش‌های نه‌چندان جذاب و آثار ناموفق در گیشه، باعث شد دیرباز به ستاره تبدیل نشود.

حامد کمیلی باوجود فعالیت مستمر و برخی بازی‌های خوب در سینما همچون پسر آدم دختر حوا، ایتالیا ایتالیا، خوب بد جلف ۲؛ ارتش سری و فیلم هنوز اکران نشده سینماشهرقصه، درمجموع نقش‌ها و فیلم‌هایی در کارنامه سینمایی‌اش دارد که با متر و معیارهای ستارگی همخوانی ندارد، درحالی‌که او ظرفیت تبدیل‌شدن به یك ستاره سینما را داشت.

شاهرخ استخری، شاهد احمدلو، پویا امینی، امیررضا دلاوری، امین زندگانی، مهدی سلوکی، عباس غزالی، علیرضا جلالی تبار، پیمان قاسمخانی، آرش مجیدی، یوسف مرادیان و حسام نواب صفوی، ازجمله بازیگرانی هستند که از شرایط و ویژگی‌های ظاهری برای ستاره شدن در سینما برخوردار بودند، اما به دلایل مختلف به این موقعیت نرسیدند. به‌عنوان‌مثال، قاسمخانی بیشتر ترجیح داد بر نویسندگی و فیلمسازی متمرکز باشد، همین‌طور احمدلو که بیشتر کارگردانی کرد تا بازی.

خانم‌هایی که ستاره نشدند

افسانه پاکرو با فیلم رویای خیس تا حدودی نشان داد سینمای ایران می‌تواند به‌عنوان یك ستاره روی او حساب باز کند، اما انتخاب‌ها و جنس بازی‌اش در ادامه نشان داد همان «تاحدودی» هم چندان درست نبود! بازی‌های او در فیلم‌های متأخرترش همچون دو عروس و این زن حقش را می‌خواهد هم امیدوارکننده نبود.

بازی خوب الهام حمیدی در خیلی دور خیلی نزدیك، دیده و تحسین شد و هرچند این فیلم اثری از سینمای بدنه نبود، اما امیدواری‌هایی را برای ستاره شدن حمیدی در ادامه به وجود آورد، ولی برخی فیلم‌ها و نقش‌های ناموفق و جنس بازی تکراری، این بازیگر را از گردونه ستاره شدن خارج کرد.

لاله اسکندری که از ویژگی‌های ظاهری ستاره شدن برخوردار بود و حتی چشمه‌هایی از استعداد را در آثاری چون خاك سرخ و رقص پرواز و این زن حرف نمی‌زند، نشان داده بود در ادامه فعالیتش حضور چشمگیر و موفقی نداشت و از ستاره شدن دور و دورتر شد. بازی اخیرش در تیغ و ترمه هم بیشتر حسرتی دراین‌باره ایجاد کرد.

لیلا اوتادی شاید در دهه ۸۰ و دریکی دو فیلم مثل چپ‌دست نشانی از ستاره سینما را داشت و برخی پیش‌بینی می‌کردند می‌توانند در ادامه هم‌روی او حساب کنند، اما انبوه نقش‌ها و فیلم‌های ضعیف، تیر خلاص را به ستارگی اوتادی زد.

سحر جعفری جوزانی، چکامه چمن ماه، ماه‌چهره خلیلی، لیلا زارع، سولماز غنی، رعنا آزادی ور، خاطره اسدی، خاطره حاتمی، بهاره افشاری، بهاره کیان افشار، خزر معصومی، نورا هاشمی و روناك یونسی ازجمله بازیگرانی هستند که ظرفیت‌هایی برای ستاره شدن در سینمای ایران داشتند، اما بنا به دلایلی این اتفاق برای آنها نیفتاد.

ضمایر [او]

یادداشت‌های اکو با ترجمه امامی

فردا گفت‌وگو با مترجم کتاب «چگونه با ماهی قزل‌آلا سفر کنیم؟» را در جام جم بخوانید

ترسیم سیمای اومبرتو اکو در ایران وضع چندگانه‌ای را سپری کرده است. او را بیشتر به‌عنوان نظریه‌پرداز ادبیات و روایت و نیز نشانه‌شناس می‌شناسیم که در کنار پرداختن به این امور نظری، چند رمان نخبه‌گرا هم نوشته است. این در حالی است که اکو با رمان‌هایش یکی از پرفروش‌ترین نویسنده‌های قرن اخیر بوده و تیراژهای میلیونی را تجربه کرده است. با این حال حالا خبر دیگری درباره با او داریم؛ غلامرضا امامی که مترجم آثار ایتالیایی به فارسی است و ازجمله با خود اکو نیز در ارتباط بوده، به‌تازگی ترجمه‌ای از کتاب «چگونه با ماهی قزل‌آلا سفر کنیم؟» از او را منتشر کرده است. راستی این را هم بگوییم که گفت‌وگویی مفصل با امامی صورت داده‌ایم که یکشنبه، یعنی فردا در صفحه ۱۲ روزنامه جام جم منتشر خواهد شد. در این گفت‌وگو به اومبرتو اکو و ایتالو کالوینو، دیگر نویسنده ایتالیایی نیز پرداخته‌ایم. اما کتاب «چگونه با ماهی قزل‌آلا سفر کنیم؟ دربرگیرنده یادداشت و طنزهای اومبرتو اکو است که در ۴۵ بخش مکتوب و منتشرشده. عناوین تمام این بخش‌ها باصفت پرسشی «چگونه» آغاز می‌شود؛ مثلاً «چگونه به چهره‌ای محبوب تبدیل شویم؟»، «چگونه وقت‌مان را بگذرانیم؟»، «چگونه یک کتابخانه شخصی را ساماندهی کنیم؟» و... . مقدمه‌ای از مترجم و نامه اومبرتو اکو به نوه‌اش و نسل نو نیز ضمیمه کتاب است. غلامرضا امامی مترجم کتاب، نخستین بار اکو را در نمایشگاه جهانی کتاب کودک و نوجوانان در بولونیا ملاقات می‌کند... ادامه این روایت را فردا در گفت‌وگوی ما با او بخوانید. کتاب «چگونه با ماهی قزل‌آلا سفر کنیم؟» در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و باقیمت ۳۸ هزار تومان در انتشارات کتاب کوچه منتشرشده است.

بازگشت آقای طناز

نخستین تصاویر از تازه‌ترین فیلم وودی آلن منتشر شد و جمعه آینده خود فیلم به نمایش درمی‌آید

خدا نکند در جنبش‌هایی چون جنبش «می‌تو» که از آمریکا شروع شد و به دیگر کشورها سرایت کرد و نهایتاً در ایران لنگر انداخت، کسی مورد هجمه و اتهام قرار بگیرد. البته این‌که می‌گوییم خدا نکند از این رو نیست که می‌خواهیم متجاوزان و خطاکارها مصون بمانند از افشاگری. منظورمان این است که با ورود اتهام ناروا به آدم‌ها، زندگی حرفه‌ای آنها برای همیشه دستخوش تغییر و تحول می‌شود و با این‌که حتی می‌توانند در مراجعه قضایی از خود دفاع کنند، اما وقتی شایعه آن‌قدر گسترش می‌یابد که همه‌جا را فرامی‌گیرد، دیگر سخت می‌شود اذهان را دوباره شفاف و از زیر بار اتهام فرار کرد. وودی آلن هم جزو همین دسته افراد است و از وقتی اتهام آزار جنسی متوجه او بوده، جایگاهش نزد اهالی سینما بسیار نزول پیدا کرده و این در حالی است که هنوز کسی نمی‌داند حق آقای طناز سینمای جهان این است یا نه. در همین حین و پس از مدت‌ها سکوت خبری در رابطه با او، تریلری از تازه‌ترین فیلمش با عنوان «فستیوالِ ریفکین» منتشرشده تا به‌عنوان نخستین تصاویر از این پروژه تازه مطرح باشد. خبر را مهر از ورایتی نقل کرده و نوشته اولین تریلر کمدی جدید وودی آلن که قرار است به‌عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره فیلم سن سباستین ۱۸ سپتامبر (جمعه ۲۸ شهریور) برای نخستین بار دیده شود، منتشرشده است. این فیلم که محصولی مشترک از مدیا پرو استودیو از اسپانیاست، گروپر پروداکشنز متعلق به خود وودی آلن و وایلدساید ایتالیاست، با بازی جینا گرشون و والاس شان ساخته شده است. درحالی‌که اسپانیا و اروپا به حمایت از این کارگردان برخاسته‌اند یک گروه چپ‌گرای باسکی در جولای ۲۰۱۹ خواستار بایکوت این فیلم شدند و با انتخاب این فیلم به‌عنوان فیلم افتتاحیه مخالفت کردند.